



## شلوار و شیطان!

برخلاف ادعای مزورانه پامنبری‌های حاج اکبر بهرمانی، و به ویژه برخلاف اظهارات بیشرمانه پاسدار محسن رضائی در آن نامه سرگشاده، بیانیه اخیر موسوی به هیچ عنوان یک «عقب‌نشینی» به شمار نمی‌رود. کاملاً بر عکس، هدف از صدور چنین بیانیه به ظاهر آشتی‌جویانه و خیرخواهانه‌ای، گسترش دامنه آشوب در کشور «از موضع رسمی»، آنهم جهت ابتر کردن مذاکرات هسته‌ای و مذاکرات صلح در کل منطقه است. پیشتر گفتیم که شهربانی و ساواک جهت فراهم آوردن زمینه فروپاشی، نیروهای ضربت را با لباس

شخصی به عنوان «مردم» در برابر نیروهای انتظامی قرار داده‌اند. روز عاشورا همین «مردم» به پاسگاه‌های پلیس حمله کرده و آن‌ها را به آتش کشیدند! خلاصه «طاعون سبز» همچنانکه شاهدیم جنبشی است عاری از هرگونه خشونت که مطالبات خود را به صورت کاملاً «مسالمت آمیز»، یعنی از طریق تهاجم به نیروهای انتظامی و آتش زدن پاسگاه‌های پلیس «بیان» می‌کند.

فیگارو، مورخ اول ژانویه ۲۰۱۰، ضمن ارائه گزارشی از تظاهرات عاشورا، آتش زدن پاسگاه‌های پلیس را «توجیه» کرده. علامت تعجب نمی‌گذاریم، پیشتر هم گفته بودیم، ارتش ناتو قصد براندازی حکومت پوشالی جمکران را دارد و مسلم بدانیم هدف این ارتش جنایتکار به هیچ عنوان استقرار دمکراسی در کشورمان نیست. به همین دلیل است که طاعون سبز روز عاشورا را برای تظاهرات غیرمجاز و تحرکات مبتذل و مزورانه خود برگزیده، تا روایات و قصص کربلا و مزخرفات مقدس فضای سیاسی را اشباع کند، و مطالبات واقعی ملت ایران به پشت صحنه رانده شود. در راستای گسترش دامنه مقدسات بر کل جامعه، سرداران جمکران که پیشتر به «جهاد» یا کفش و تنبان «موهن» ملت ایران مشغول بودند، اجباراً جبهه جدیدی گشوده، نبرد با «شیطان پرستان» را آغاز کرده‌اند!

شیطان پرست کسی است که «شلوار گشاد» و لباس‌هائی به «رنگ شاد» بر تن دارد که در قاموس روضه‌خوانان «رنگ جلف» خوانده می‌شود. شیطان پرست همچنین دستبندهای عجیب هم بر دست داشته و خلاصه «هویت»

نسل جدید را به شدت تهدید می‌کند! «مهرنیوز»، مورخ ۱۲ دی‌ماه سالجاری در گزارشی تحت عنوان، «کمین ۷۰ فرقه شیطان پرستی بر سر راه جوانان» در مورد این دشمن بزرگ مطلب مفصلی ارائه کرده و می‌نویسد، «تعداد انگشت‌شماری» از این افراد در شهر کرج مشاهده شده‌اند و این «هشداردهنده» است! بله ما هم فکر می‌کنیم مشاهده «شلوار گشاد» و «رنگ‌های شاد» حتی به تعداد انگشت‌شمار در کرج، به راستی تهدید بزرگی برای «اسلام ناب» و عدالت علوی خواهد بود، چرا که تازیان صحرای عربستان اصلاً شلوار به پا نداشتند، چه رسد به نوع گشادش! همچنین در صدر اسلام جز «رنگ شتری» و رنگ‌های «دینی» ملهم از پشم بز و گوسفند، دیگر رنگ‌ها، از جمله رنگ‌های شاد، بسیار غیراسلامی به شمار می‌رفت. اصولاً امپراطوران ساسانی به دلیل استفاده از لباس‌های ابریشمین به رنگ زعفران - نماد خورشید - از اعراب بادیه‌نشین شکست خوردند! «رنگ» دربار ساسانیان هم در برابر رنگ «برحق» پشم بز و گوسفند و شتر «باطل» بود! و از آنجا که «حق» بر «باطل» پیروز است، امروز ملت ایران در لجنزار پیروزی حق کذا فرو رفته و به هیچ ترتیبی نمی‌تواند خود را از شر پیروزی حق نجات دهد. باری مهرنیوز می‌نویسد، اگر اوضاع به همین روال ادامه یابد، بعضی‌ها جامعه را بر علیه دین تحریک کرده و «برای خود از آب گل‌آلود ماهی‌های فربه» می‌گیرند و ... و خلاصه بگوئیم، به ادعای مهرنیوز، اگر این ماهیان فربه را دیگران صید کنند، اسلام در خطر است:

«شلوارهای گشاد [...] انگشترهای تیغ‌دار، دستبندهای عجیب [...] نشانه‌های ویژه گروه‌های همسو با شیطان‌پرستی است [...] امروز ابرقدرت‌های جهان [...] می‌کوشند تا هویت، اندیشه و باور حاکم بر افراد یک جامعه را بر علیه دین، مذهب و ملیت آن کشور تحریک کنند و از آب گل آلود برای خود ماهی‌های فربه بگیرند [...]»

بله این ماهی‌های «تیل‌میل» فقط نصیب همان ابرقدرت‌ها خواهد شد که به ذهن و ضمیر افراد جامعه، به ویژه جوانان نفوذ می‌کنند و باعث می‌شوند «تعصب» اینان به قوانین و هنجارهای جامعه از بین برود و به ادعای «مهرنیوز» این فاجعه یعنی «تسلیم در برابر دشمن، آنهم «بدون جنگ و خونریزی!» می‌بینیم که به زعم گورکن‌ها اصولاً لزومی ندارد قوانین «اجرا» شود، همینکه به قوانین «تعصب» داشته باشید کفایت خواهد کرد، چرا که «قوانین» روضه خوان‌ها از توضیح‌المسائل و حدیث و روایات شیعی مسلکان استخراج شده و جملگی «مقدس» است. در نتیجه شاهدیم که دارودسته میرحسین موسوی چند ماه است در کمال استقلال و آزادی قوانین را زیرپا می‌گذارند، ولی از آنجا که به اسلام «تعصب» دارند، هیچکس مزاحم‌شان نمی‌شود! این است فواید حماقت یا همان «تعصب»:

«جامعه‌ای که [افراد آن] نسبت به هنجارها و [قوانین‌اش] تعصب خاصی نداشته باشند، هنگام

خطر نیز واکنش لازم را برای نجات [...] از خود بروز نمی‌دهند که این یعنی تسلیم در برابر دشمن، بدون جنگ و خونریزی!»

آری! زندگی همان جنگ و خونریزی است! بدون خون و خون‌کشی این زندگی چه لطفی دارد؟ پس «تعصب» داشته باشید، که در غیر اینصورت ممکن است از بد روزگار با مسائل زندگی برخورد منطقی داشته و پرخاشگری، جنگ و خونریزی و وحشی‌گری را محکوم بدانید و از این طریق دست اربابان حکومت اسلامی را حسابی در پوست گردو بگذارید. اگر از بلاهت و حماقت فاصله بگیرید، و دست از فضولی در دین و ایمان و اعتقادات و باورها و گرایش سیاسی دیگران برداشته پرسش‌های منطقی مطرح کنید، در جرگه شیطان‌پرستان قرار می‌گیرید. به عنوان نمونه اگر از خود و اطرافیان‌تان بپرسید، پس از گذشت سی سال از استقرار یک حکومت اسلامی «آزاد»، «مستقل» و به ویژه «مردمی»، چرا می‌باید مشکلات اقتصادی ملت ایران، بیکاری، تورم، تعطیلی کارخانه‌ها، اخراج کارگران، کمبود مسکن و فقر روزافزون در پس پرده جنجال مهوع «انتخابات» پنهان بماند؟ شلوارگشاد که هیچ، حتی اگر «ک...ن برهنه» هم باشید از سوی گورکن‌ها به شیطان‌پرستی متهم خواهید شد، چرا که با سوءاستفاده از مسائل سیاسی، مشکلات اجتماعی را به حکومت دینی «منتسب» کرده‌اید! حال آنکه حکومت دینی اصولاً با اقتصاد کاری ندارد!

قبلاً هم که خمینی گفته بود، «اقتصاد مال خر است!» به همین دلیل، در این حکومت مقدس امور اقتصادی از بارگاه الهی در لندن و واشنگتن اداره می‌شود:

«تلاش برای دوری جوانان از [...] اندیشه های ناب اسلام [...] خشن جلوه دادن اسلام [...] سوءاستفاده از مشکلات اجتماعی نظیر بیکاری، گرانی، تورم [...] و منتسب کردن آن‌ها به حکومت دینی در کشور [...] اندیشه‌هایی است که امروز در قالب فرقه‌های انحرافی و مکاتب الحادی به آحاد مختلف جامعه عرضه می‌شود.»

بله، بیکاری، گرانی و تورم هیچ ارتباطی به حکومت اسلامی ندارد! تقصیر «دیگران» است! حکومت هر چه باشد، همین شرایط بر ملت ایران تحمیل خواهد شد، و به همین دلیل است که آنگلساکسون‌ها این حکومت توحش‌ناز را در ایران مستقر کرده‌اند تا ما ملت بی‌جهت «چشم بسته» به مسائل بی‌اهمیت «مادی» مشغول نشویم و «با چشم باز» سرمان را به «معنویات» گرم کنیم. چه در غیراینصورت، نه تنها جان و مال که «ناموس‌مان» نیز برباد می‌رود و خلاصه این اسلام عزیز خدشه‌دار می‌شود. می‌دانیم که اسلام است و «ناموس»! و به قول راوی «توپ مرواری» تمام «فلسفهٔ اسلام» بر همان «یک وجب پائین تنه» استوار شده:

«این موضوعات [...] تعداد قابل توجهی را به سمت خود کشانده [...] تا شاید جوانان و نوجوانان رشید این کشور با چشمانی بسته و ذهنی گنگ در صف فریب خوردگان اهریمن بایستند و چه بسا در این راه جان و مال و ناموس خود را نیز از دست بدهند.»

البته باید به اهالی مهرنیوز یادآور شویم در دین زرتشت اهریمن هیچکس را نمی‌فریبد بلکه انسان در «انتخاب» راه نیک اهورامزدا و راه اهریمن «آزاد» است. به عبارت دیگر اهورامزدا انسان را برخوردار از «حق انتخاب آزاد» می‌داند. پس بهتر است شما بندگان حقیر خداوند ابراهیم، اهریمن را در ترادف با شیطان ادیان ابراهیمی قرار ندهید که شیطان از بندگان خداوندتان «انسانی‌ات» بیشتری دارد، بگذریم! می‌بینیم که در قاموس گورکن‌ها، جوانان رشید در واقع در ردهٔ «مهجور» و «صغیر» قرار دارند و «چشم بسته» فریب هم می‌خورند و ... و ناموس‌شان هم «به کیشی می‌آید و به فیشی می‌رود»! پس درود ما بر مش‌قاسم گرامی که در رمان «دائی جان ناپلئون» همواره «ناموس» را مترادف با «باد شکم» می‌دانست و خروج آن، یعنی عمل خداپسندانهٔ «گو...یدن» را «بی‌ناموسی» می‌خواند. باری برای حفظ نوامیس، یا بهتر بگوئیم برای ممانعت از خروج باد کذا از شکم امت اسلام، مهرنیوز دست به دامان «حجت‌الاسلام مسعودی»، رئیس ادارهٔ تبلیغات اسلامی کرج شده و ایشان نیز به نوبهٔ خود از «شهروندان» می‌خواهند، به کمک اسلام بر هوای نفس غلبه کنند! نمی‌دانستیم پوشیدن شلوار گشاد در قاموس گورکن‌ها «هوای نفس» خوانده می‌شود:

«رئیس ادارهٔ تبلیغات اسلامی شمال کرج [...] از شهروندان به ویژه جوانان خواست تا با تمسک به ارزش‌های دینی و تعالیم ناب اسلام هوای نفس را مغلوب اراده و ایمان خویش سازند.»

بله، جوانان با تمسک به ارزش‌های دینی از شلوارهای گشاد بپرهیزند. جوانان مراقب باشند که در صورت هر نوع فعالیت «غیردینی»، ممکن است مثل اهالی آن روستای پاکستان که در ماه مبارک محرم «والیبال» بازی می‌کردند، با بمب منفجر شوند و بوق‌های غرب نیز انفجار را به طالبان و القاعده نسبت دهند. همچنانکه ترور یک گروه از مأموران سازمان سیا در افغانستان را به گردن همین طالبان مفلوک انداختند، حال آنکه واقعیت جز این است. واقعیت این است که در ینگه‌دنیا، در رأس هرم قدرت کار به درگیری مستقیم کشیده!

روشن‌تر بگوئیم، دعوا بر سر مسیر «مبارزه با تروریسم» است. طرفداران مذاکره با طالبان، با پروپاگاندا پیرامون مسلمانانی که در غرب «نیت» عملیات تروریستی دارند، از طریق اختراع داستان همان جوانک نیجریائی و یا «بی‌بی‌گوزک» تهاجم به «کاریکاتوریست دانمارکی» با گسترش لات‌بازی و برپائی نمایشات «توهین به مقدسات» در واقع به زمینه‌سازی جهت مذاکره با طالبان مشغول شده‌اند. حال آنکه، فرماندهان پنتاگون که صرفاً به دلیل تعهدات جهانی برای مبارزه با «تروریسم» به افغانستان لشکرکشی کرده‌اند خود را متعهد به برخورد با «القاعده» نمی‌بینند. اینجاست که اوباما ناگهان آن جوانک نیجریائی را در ارتباط با سازمان «القاعده»، مستقر در یمن رویت می‌کند! می‌بینیم که ارتش ناتو ضمن «مذاکره» با تروریست‌ها، در همه کشورهای جهان «تروریست مسلمان» کشف می‌کند، و روشن است که در این صورت مجبور به گسترش دامنه عملیات خود بر علیه اینان شود. چرا که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر حاکمیت آمریکا رسماً در برابر سیاست‌های

جهانی، مبارزه با تروریسم را متعهد شده! در نتیجه هر جا گروه‌های تروریست فعال شوند، آمریکا هم می‌باید در محل حضور نظامی داشته باشد. این سیاست را گسترش رسمی بحران می‌خوانند، و صدور بیانیه مزورانه میرحسین موسوی در چارچوب همین سیاست «گسترش بحران» و «رسمیت دادن» به آن قرار می‌گیرد.

روند نمایشنامه مهوع آنگلساکسون‌ها این است که در مرحله نخست، مقام معظم بیانیه کذا را مثبت ارزیابی کرده، از «گناه» میرحسین می‌گذرند! در نتیجه قوه قضائیه که طی ۷ ماه اخیر به دلیل کوری و کری مصلحتی، از قانون‌شکنی‌های آشکار کروبوی و موسوی کاملاً بی‌خبر بوده، یک‌باره از خواب بیدار شده و با توجه به ابراز مراتب مهر و عطف رهبری در حق موسوی جلاد و کروبوی شیاد، جرم سنگین ایندو خائن و خودفروخته را نادیده می‌گیرد، و آنان را تحت پیگرد قانونی قرار نخواهد داد! در این مرحله است که موسوی و کروبوی از جایگاه مطرود و منزوی و مجرم خارج شده، در جایگاه «رهبری» محبوب و مردمی «اوپوزسیون» حکومتی قرار می‌گیرند و با تکیه بر پشتوانه فرضی مردمی خود، از طریق توسل به «اصل ۲۷ قانون اساسی»، به هر مناسبتی در داخل کشور «تظاهرات مجاز» به راه می‌اندازند! این تظاهرات مجاز نیز ضمن سرکوب مخالفان تقدس‌پروری و توحش خط امام در داخل، در منطقه از سیاست مطلوب آمریکا، یعنی یکجانبه‌گرایی، نقض مقررات و قوانین بین‌المللی آنهم با شعار «نبرد با اسرائیل» حمایت تام به عمل خواهد آورد!

اظهارات احمقانه «سارا پی‌لین» در فاکس نیوز را می‌توان در راستای همین سیاست جنگ طلبانه بانکی‌ها بررسی کرد. این گاوچران مؤنث به اهالی فاکس نیوز می‌فرماید، «احمدی‌نژاد حق ندارد از آمریکا ابراز نفرت کند، یا خواهان نابودی اسرائیل شود.» حناز چوبه مورخ، ۱۲ دیماه سالجاری، اظهارات حاجیه پی‌لین را با کد: ۸۷۳۱۸۵ منتشر کرده. البته ایراد چنین سخنان مضحکی آنهم وقتی مهرورزی به تغییر موضع ناچار شده، بیشتر جنبه رد گم کردن دارد و در واقع پیامی است به پیروان خط توحش امام، یعنی همان رهبران طاعون سبز. اینان «روابط پنهان» با آمریکا را به ویژه در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌پرستند و در راستای همین پنهان‌پرستی است که برای رسیدن به «قدس شریف» سه دهه است از اسرائیل سلاح و تجهیزات دریافت می‌کنند. چرا که پیشتر راه قدس از کربلا می‌گذشت، و اخیراً محفل کودتای ننگین ۲۲ بهمن باز هم چشم‌شان به جمال «صدامیان» در عراق روشن شده و در حمایت از بیانیه موسوی «نامه سرگشاده» به رهبر می‌نویسند. خلاصه بگوئیم، در عمل «سارا پی‌لین»، نامزد احتمالی حزب جمهوریخواه در انتخابات آینده ایالات متحد، از هم اکنون «قطب‌نمای

بصیرت» را به دست «نوکران سبز» داده و می‌پندارد، یا بهتر بگوئیم از صمیم قلب آرزو دارد که، آلترناتیو احمدی‌نژاد در ایران همین میرحسین موسوی باشد؛ البته آرزو بر جوانان عیب نیست! اما در همینجا بگوئیم سارا پی‌لین که از نظر شناخت و آگاهی از «مسائل جهانی» از «نوجوانان» دنیای سیاست به شمار می‌رود، سخت کور خوانده. آنگلساکسون‌ها به هر ترفندی متوسل شوند، می‌باید دکان طالبان‌پروری را نه تنها در ایران و افغانستان که در کل منطقه برچینند؛ این بازی دیگر به پایان رسیده!